



## حضور دین در فضای سایبر در گفت‌وگو با

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسعیدرضا عاملی\*

### مقدمه

همان‌طور که در دنیای واقعی مدرسه می‌روید، خرید می‌کنید، اوقات فراغت دارید، تبادلات مالی دارید، خدمات اجتماعی به مردم ارائه می‌دهید یا کسی ناخواسته در دنیای واقعی فساد می‌کند، همه عناصر که برای جهان واقعی ترسیم می‌کنید، برای دنیای مجازی نیز می‌توان ترسیم کرد؛ در واقع به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت جهان مجازی ادامه جهان واقعی است، مانند چشمی که دید وسیع‌تری پیدا کرده است؛ بنابراین جهان مجازی نیز مانند جهان واقعی، هم دارای فساد است و هم ثواب.

واقعی ترسیم می‌کنید، برای دنیای مجازی نیز می‌توان ترسیم کرد. در واقع به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت جهان مجازی ادامه جهان واقعی است؛ مانند چشمی که دید وسیع‌تری پیدا کرده است؛ بنابراین جهان مجازی نیز مانند جهان واقعی، هم دارای فساد است و هم ثواب.

اگر به روح تعالیم دینی نگاه کنید، می‌بینید آن جایی که دین خیلی پررنگ است و خدا دین را پسندیده معرفی می‌کند، دین برای حل مشکل می‌آید؛ بنابراین در روایت است که اگر کسی گره‌ای از پیشانی باز کند، ثوابش از هزار بار رفتن به خانه خدا، هزار بنده آزاد کردن بیشتر است. حال این رفع سختی و گرفتاری در فضای مجازی به شکل دیگری انجام می‌شود. اگر فضای مجازی کمک کرد که مردم کارهای اداری‌شان را به جای این که در صف بایستند و گرفتار نظام اداری فاسد شوند، در یک سامانه سیستم نظام‌مندی این خدمات مجازی را دریافت کنند. این همان حل کردن مشکلات و گرفتاری‌هاست.

در تهران هجده میلیون سفر بین شهری هر روز صورت می‌گیرد. بدین معنا که ما آلودگی محیط زیست داریم. در این شرایط اگر یک شهر مجازی به موازات شهر واقعی تهران به وجود آمد و توانست ۱۷۰۰ خدمات شهری را به مردم

**حوزه:** اولین مسئله‌ای که در مورد استفاده از اینترنت به ذهن می‌رسد، دو تعریف متفاوت از آن است؛ اول، اینترنت به زبان ماست و باید آن را کنار بگذاریم؛ دوم، این کارزار فکری به سود ماست؛ چراکه اگر وارد این میدان شویم و آنچه را که نیاز داریم، بیرون بکشیم، بی‌گمان برد با ماست؛ یعنی کدام تعریف را استفاده کنیم؟ آیا می‌توانیم هر دو را تلفیق کنیم؟

**استاد:** این سؤال به این معناست که بگویید دنیا خوب است یا بد؟ دنیا هم خوب است، هم بد.

در این مورد نیز بهتر است از لفظ اینترنت استفاده نکنیم و بگوییم فضای مجازی، به این معنا که ما از دنیایی به موازات دنیای واقعی صحبت می‌کنیم.

نگاه خیلی‌ها به فضای مجازی، نگاه ابزاری است. فضای مجازی را مانند رادیو، تلویزیون و دوربین یک ابزار می‌دانند که کار خاصی انجام می‌دهد؛ ولی این نگاه اشتباه است.

فضای مجازی دنیایی است که به موازات جهان واقعی کارکرد پیدا کرده است؛ یعنی همان‌طور که در دنیای واقعی مدرسه می‌روید، خرید می‌کنید، اوقات فراغت دارید، تبادلات مالی دارید، خدمات اجتماعی به مردم ارائه می‌دهید یا کسی در دنیای واقعی فساد می‌کند، همه عناصر که برای جهان

نگاه خیلی‌ها به فضای مجازی، نگاه ابزاری است. فضای مجازی را مانند رادیو، تلویزیون و دوربین یک ابزار می‌دانند که کار خاصی انجام می‌دهد؛ ولی این نگاه اشتباه است. فضای مجازی دنیایی است که به موازات جهان واقعی کارکرد پیدا کرده است.

یعنی اساساً وابسته است، مخلوق است؛ ولی از بعضی قابلیت‌های متافیزیکی برخوردار می‌باشد؛ برای مثال، یکی از خصوصیات که می‌توانیم برای دنیای مجازی ذکر کنیم این است که این فضا دارای گستردگی جهانی و قابل دسترسی است؛ یعنی موجود همه جا حاضر یا مثلاً محدود به یک مکان خاص نیست و در هر مکانی، جغرافیا و زمانی در دسترس می‌باشد.

به تعبیر من، فضای مجازی از یک ابدیت زمانی برخوردار می‌باشد. خورشید فضای مجازی همیشه تابان است، فضای مجازی هیچ وقت غروب نمی‌کند و یک فضای همیشه روز است؛ از این رو اگر خدماتی برای این فضا تعریف شد، می‌توان این خدمات را به لحاظ برنامه‌ای محدود کرد. برای مثال از هشت صبح تا چهار بعد از ظهر؛ البته می‌تواند ۲۴ ساعته باشد و ۳۶۵ روز سال خدمات ارائه بدهد؛ بنابراین وقتی یک ذات متافیزیک را در نظر می‌گیریم، فضای مجازی از بعضی از آن عناصر متافیزیک برخوردار می‌باشد؛ منتها اثر ذات است، خود ذات نیست. به نظر من فکری که باعث ظهور دنیای مجازی شده است یک فکر متافیزیکی بوده است. دین سه هدف اصلی دارد، که این سه هدف اصلی با علم هم در تناقض نیست. علم نیز این سه هدف را دارد، عمل خیر هم

ارائه دهد و هشت میلیون سفر بین شهری را کاهش دهد، آیا این عمل خیری نیست؟ از سویی، در فضای واقعی کسانی که سوداگران این دنیا هستند، در دنیای مجازی نیز فعال می‌شوند؛ یعنی کسانی که در دنیای واقعی قمار می‌کنند و قمارخانه راه می‌اندازند، در دنیای مجازی هم آن را انجام می‌دهند.

**حوزه:** دین با این فضای مجازی چه نسبتی دارد؟

**استاد:** باید هدف‌های کلان دین را در نظر داشته باشیم و بعد ببینیم فضای مجازی این قابلیت‌ها را دارد که به این اهداف برسد یا نه؟ اهداف کلان دین؛ کاهش درد، توسعه سلامت اجتماعی و تعالی ارزش‌های الهی است. از سوی دیگر، دین در شالوده و محتوای پیام و در ارتباط فرد با امر ماورائی از یک ذات

● فضای مجازی از یک ابدیت زمانی برخوردار می‌باشد. خورشید فضای مجازی همیشه تابان است، فضای مجازی هیچ وقت غروب نمی‌کند و یک فضای همیشه روز است.

● متافیزیکی برخوردار است. از آن سو، یک تجربه متافیزیکی پارادوکسیکال در خصوص فضای مجازی رخ داده است. فضای مجازی هم از وجود سیال برخوردار است، که از ویژگی‌های متافیزیکی است؛ ولی به طور حتم این فضا از یک ماهیت مادی وابسته به امر مادی دیگر برخوردار است؛ از این رو می‌گوییم یک امر متافیزیکی-مادی است (پارادوکس بین مادیت و متافیزیک بودن).

اگر سرور را از آن بگیری زمین می‌خورد؛

باید این سه هدف را دنبال کند:

**نخست**، کاهش درد است؛ دین آمده تا آرام بشر را کاهش دهد؛ بنابراین تعالیم دینی دربردارنده همین است. ضمن این که بهجت آور می‌باشد، عامل یاد خداست و دردهای بشر را هم کاهش می‌دهد. «الْأَلْبَدُّ كَرِ اللَّهُ تَظْمَنُ الْقُلُوبُ»<sup>۲</sup> در واقع همین است، که بندگان یاد خدا باشند، همه دردهای شان را فراموش می‌کنند؛ برای این که آن وجود، وجود کمالیه است. اسم‌های خدا، جمال خدا را در درون انسان پرورش می‌دهد، احساس زیبایی می‌کنید، تمام پلیدی‌ها از بین می‌رود؛ چون اسم رحمت خدا، اسم لطف خدا، اسم رحمانیت خدا، آسمانی است که بشر را بزرگ می‌کند و ارزش‌های متعالی را احیا می‌کند.

**دوم**، دین توسعه سلامت اجتماعی است؛

سلامت اجتماعی بشر را گسترش می‌دهد، نمی‌خواهم بگویم شریعت جنبه ایزاری دارد. شریعت خودش موضوعیت دارد؛ برای مثال، نماز خودش موضوعیت دارد؛ ولی در مورد نماز می‌گوییم: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَمْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۳</sup> یعنی نماز باعث می‌شود که ما از فحشا دوری کنیم، نیز نشان می‌دهد که ذات نماز اهمیت دارد؛ ولی وسیله‌ای است برای اتفاق پس از این؛

بنابراین دین آمده است برای اتفاقات پسینی که متأخرترین آن آخرت است؛ ولی اتفاق نزدیک آن همین چیزی است که در دنیا برای ما اتفاق می‌افتد و سلامت اجتماعی ایجاد می‌کند.

**سوم**، دین تعالی ارزش‌های دینی است. دین آمده تا ارزش‌های الهی را متعالی کند. حالا می‌توان گفت که این‌ها محدود به جای خاصی می‌باشد. در فضای فیزیکی امکان‌پذیر است و در دنیای مجازی امکان‌پذیر نیست؟ همان‌طور که در فضای فیزیکی اهداف دین در دسترس می‌باشد، در فضای مجازی نیز این قابلیت را دارد؛ البته یک مزیتی در فضای مجازی وجود دارد که در فضای فیزیکی وجود ندارد؛ برای مثال، منطبق تولید در فضای مجازی متمایل به بی‌نهایت مصرف است.

اکنون اگر من صحبت می‌کنم، این

صحبت را می‌شنوید، نفر دومی نیست که بشنود، یک تولید برای یک مصرف است؛ ولی اگر این صحبت فردا روی اینترنت قرار بگیرد یک تولید به منزله بی‌نهایت مصرف است؛ یعنی آدم‌های دنیا که فارسی متوجه می‌شوند، می‌توانند بهره ببرند؛ بنابراین ظرفیت فضای مجازی با جهان فیزیکی یک تفاوت دارد؛ البته به نظر من جنس دین هم یک جنس جهان مجازی است، به این معنا که

اگر خطابات قرآن کریم را توجه کنید، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»، ای مردم جهان. این «ال» یعنی همه مردم جهان؛ بنابراین ذات دین همه‌گیر است. حالا در بستری قرار گرفته که این بستر هم همه‌گیر است و این قدرت ایجاد می‌کند؛ مانند این که فرم و محتوا با هم انطباق پیدا می‌کند. محتوا دین است، فرم آن هم فضای مجازی است. هر دو از جنس جهانی است.

دین یک ابر محدود به مکان نیست.

شما اگر خطابات قرآن کریم را توجه کنید، خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الناس»، ای مردم جهان. این «ال» یعنی همه مردم جهان؛ بنابراین ذات دین همه‌گیر است، حالا در بستری قرار گرفته که این بستر هم همه‌گیر است و این قدرت ایجاد می‌کند؛ مانند این که فرم و محتوا با هم انطباق پیدا می‌کند. محتوا دین است، فرم آن هم فضای مجازی است. هر دو از جنس جهانی است؛ دلیل

این که اسلام توانست در یک مدت کوتاهی به نقاط مختلف جهان برود این بود که جنس آن یک جنس جهانی بود، همه ادیان الهی این چنین هستند. به مسیحیت نگاه کنید، در انجیل آمده است: «ای مردم جهان»، خطاب آن به مردم جهان است و محدود به قوم، نژاد، جنس، فیزیک و جغرافیا نیست. سخن این است، آیا یک جای جهانی، جای دین است؟ بی‌گمان چنین است. محتوای دین آمده است برای جهانی کردن ارزش‌های خودش؛ اکنون ساختاری هم پیدا کرده که جهانی است.

در سال ۱۹۹۴ در لندن، اولین سایت را برای امام خمینی علیه السلام و رهبر انقلاب در جهان Load کردیم. آن زمان من به تهران آمده بودم. به یکی

نمی‌توان گفت که با کل فضای مجازی سازگار است و یا کل فضای مجازی خیر می‌باشد؛ بلکه می‌توان گفت، که این یک ساختاری است؛ مثل جهان واقعی با ظرفیت‌های متفاوت که امکان تولید و مصرف و توزیع خیر و شر در آن وجود دارد. امام خمینی علیه السلام فرموده بودند با تلویزیون مخالف نیستیم، با تلویزیونی مخالف هستیم که منشأ فساد باشد؛ چون تلویزیون وسیله‌ای است که می‌تواند خیر را توسعه دهد.

از آقایان در دفتر امام گفتیم که ما چنین کاری کردیم. خیلی ناراحت شد. گفت؛ چرا این کار را کردید؟ گفتیم: چطورا گفت: آن‌جا محیط فاسدی است. گفتیم در دنیای واقعی هم همین اتفاقات وجود دارد، مگر در دنیایی که پلیدی هست نباید حرف خیر زد. خدا خیر و شر را با هم آفرید؛ شیطان، فرشته و انسان را با هم خلق کرد. اساساً عمل خیر مرتبط با اراده است و اراده در ظرف انتخاب معنا پیدا می‌کند. اگر همه انتخاب‌ها خیر باشد؛

اراده بی‌معناترین پدیده خواهد بود؛ البته این امر توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش برای تولید شر نیست؛ یعنی همه موظف به عمل خیر هستیم.

**حوزه:** با این ویژگی‌ها، استفاده یک ایرانی مسلمان با استفاده یک فرانسوی لائیک چگونه است؟

**استاد:** نمی‌توان گفت که با کل فضای مجازی سازگار است و یا کل فضای مجازی خیر می‌باشد؛ بلکه می‌توان گفت، که این یک ساختاری است؛ مثل جهان واقعی با ظرفیت‌های متفاوت که امکان تولید و مصرف و توزیع خیر و شر در آن وجود دارد. امام خمینی علیه السلام فرموده بودند با تلویزیون مخالف نیستیم، با تلویزیونی مخالف

در تکاپوی توسعه شر است و انسان خیر و نیکو در همه جا به دنبال توسعه نیکی و خیر است؛ اگرچه در گذشته وجه غالب این فضا در اختیار خیر نبوده است؛ ولی به مرور مسیر به سمت استفاده‌های مفید حرکت می‌کند. دوستی به من می‌گفت: وقتی در گوگل عنوان داستان را می‌نوشتیم، صفحه‌هایی باز می‌شد که حاوی داستان‌های جنسی به زبان فارسی بود. به همین دلیل به اتفاق گروهی، سایتی راه انداختیم و در آن داستان و راستان گذاشتیم؛ برای

مثال تبیان و حالا که می‌نویسیم داستان، صفحه‌هایی باز می‌شود که داستان و راستان می‌آید و انتخاب‌های اول شامل داستان‌های نیک می‌شود.

**نکته اول،** هرچه تولید بیشتری در این فضا داشته باشید، ظرفیت خیر را بالا می‌برید؛ بنابراین نمی‌توان گفت چون در این فضا حاکمیت با شر است، تولید نکنیم. درحالی‌که اگر تولید خیر داشته باشیم، ظرفیت خیر را افزایش می‌دهیم.

نکته دوم، این که ما نباید از آن ظرفیت تبعیت بکنیم؛ کما این که رسانه نباید از روش، تکنیک و محتوای رسانه غرب تبعیت کند. خبر در عرصه رسانه؛ یعنی این که تعجب مردم را برانگیزد و یک نوع نگرانی ایجاد کند،

هستیم که منشأ فساد باشد؛ چون تلویزیون وسیله‌ای است که می‌تواند خیر را توسعه دهد. بنابراین در ساختار فضای مجازی که جای توسعه خیر است، شر هم می‌تواند توسعه پیدا کند. آمارهای سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که بالاترین استفاده از فضای مجازی، استفاده شر است. امروز هم یکی از انواع استفاده‌های فراوان، استفاده پلید است؛ ولی بالاترین استفاده، استفاده از اطلاعات و ارائه خدمات است؛ برای مثال دریافت رساله دکترا درباره اسلام از اینترنت؛

البته کسی هم ممکن است فیلم نامناسب از اینترنت دریافت کند یا کسی هم بهترین اذان را دریافت می‌کند. این تکنولوژی قابلیت توسعه خیر و شر را دارد؛ یعنی می‌توانیم از آن برای توسعه دین استفاده کنیم یا ممکن است در یک فرهنگ غربی استفاده‌های دیگری بشود.

**حوزه:** در این فضا با توجه به وجود فعالیت هرکها و اخلاق ارزشی حاکم مانند نفوذ بر حریم خصوصی و... باید این فضا، خود را با دین سازگار کند یا دین خود را با این فضا؟ **استاد:** با اشاره به رویکرد دوفضایی، که این فضا به موازت فضای واقعی شکل گرفته است و رفتارهای این دو جهان از منطق واحدی تبعیت می‌کند. انسان شر؛ همه جا

باید بتوانیم از درون ارزش‌های خودمان، این بازنمایی را انجام دهیم. چه بازنمایی در فضای مجازی، چه تلویزیون، چه رادیو و چه مطبوعات؛ برای نمونه یکی از ارزش‌های مهم اسلام، راست‌گویی است؛ البته هر راست را نباید گفت، اگر همه راست‌ها گفته شود، مردم دچار اضطراب و نگرانی و سردرگمی می‌شوند.

و صنعت بسیار پیچیده‌ای دارد. باید بتوانیم از درون ارزش‌های خودمان، این بازنمایی را انجام دهیم. چه بازنمایی در فضای مجازی، چه تلویزیون، چه رادیو و چه مطبوعات؛ برای نمونه یکی از ارزش‌های مهم اسلام، راست‌گویی است؛ البته هر راست را نباید گفت، اگر همه راست‌ها گفته شود، مردم دچار اضطراب و نگرانی و سردرگمی می‌شوند. باید راست‌هایی را گفت که با هدف سازگاری داشته باشد؛ یعنی باعث کاهش درد، توسعه اجتماعی و تعالی ارزش‌های انسانی شود.

**حوزه:** در این چند سالی که فضای مجازی فرصت خوبی وجود آورده است، به نظر می‌رسد موفقیت‌چندانی نداشته است؟

**استاد:** یکی از محاسن فضای مجازی این است که فضایی ادامه‌دار می‌باشد. وقتی فیلم آنالوگ تولید می‌کنید، مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارید. فیلم آنالوگ چسباندن قطعات فیزیکی عکس است، که آن‌ها را به هم می‌چسبانید و حرکت می‌دهید، در پس زمینه آن موسیقی می‌گذارید؛ در نتیجه یک فیلم با موسیقی نگاه می‌کنید. حال اگر بخواهید این فیلم را ویرایش کنید، باید آن را قیچی کنید و دوباره فیزیکی عکس را تغییر دهید؛ ولی تفاوت فیلم آنالوگ با فیلم دیجیتال این می‌باشد، که فیلم دیجیتال تابع منطق

اضطراب ایجاد کند؛ ولی خبر الهی، خیر است؛ یعنی رسانه ملی به جای این که همیشه از این ژانر خبری استفاده کند، از موفقیت‌ها بگوید، از کامیابی‌ها بگوید، یک ملودرام امیدوارکننده برای مردم تولید کند، نه این که فقط برای مردم اضطراب ایجاد کند.

درواقع همین تبعیت‌هاست که این شرایط را به وجود آورده است. نباید از تکنیک، محتوا و روش آن‌ها تبعیت کنیم؛ البته باید از تجربیات دیگران استفاده کرد. نمی‌گویم همه روش‌های دیگران روش‌های بدی است؛ بلکه روش‌های خوب هم وجود دارد.

می‌گویند: افلاطون با هنرمندان رابطه بسیار بدی داشت و می‌گفت: هنرمندان به دو صورت دروغ می‌گویند. دروغ اول، این که تصویری از یک فرد یا یک منظره در ذهن خود می‌آورند؛ ولی این تصویر همه حقیقت آن واقعیت نیست؛ بلکه یک فرد باطنی دارد که باطنش را نمی‌بینیم، باطنش را فقط خدای متعال می‌بیند. بعضی وقت‌ها یک تصویر اشتباه داریم و این تصویر اشتباه باعث می‌شود که نقش غلط در ذهن شکل بگیرد. دروغ دوم، این که این نقش غلط را نقاشی می‌کنند، نگارش می‌کنند، از آن فیلم و موسیقی می‌سازند و ...

بنابراین بازنمایی کار بسیار سختی است



دینی در کشور هنوز به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این فناوری برای توسعه معارف دینی پی نبرده‌اند. به نظر ریشه این مشکل در کجاست؟ **استاد:** شاید تلقی از دین، تلقی درستی نیست. نکته در همین جاست که دین نصیحت نیست. دین اگر می‌خواهد موعظه‌ای کند، موعظه آن نیز حسنه است؛ یعنی دردمندی، دل-سوزی و سلامت در گفتار دارد و تکبر در این بیان وجود ندارد. واعظ هم کسی است که نخست خود را وعظ می‌کند؛ سپس دیگران را. خودش در تقابل با خودش است که اطرافیان هم یاد می‌گیرند؛ بنابراین خیلی از علمای تا خودشان عمل نمی‌کردند، نمی‌گفتند؛ بنابراین هنوز جامعیت دین را به معنای واقعی متوجه نشده‌ایم. فرض کنید، شخصی دروغ نگوید، اهل غیبت، تهمت و تجسس نباشد، اهل خیر رساندن به دیگران باشد؛ ولی شما او را زیاد در صف نماز جماعت نبینید و شاید در فرضیات خود او را فرد دین‌داری فرض نکنید. حال اگر کسی در نماز جماعت شرکت کند؛ ولی غیبت هم کند. ممکن است در آن طبقه‌بندی، آن شخص را دین‌دار تلقی کنیم. دین‌داری یک جامعیت است که بخشی

عدد است؛ در واقع یک عکس می‌بینید؛ ولی در پس آن عددی وجود دارد، یک جهان صفر و یک وجود دارد؛ بنابراین تابع قانون ریاضی است. می‌توانید ضرب، تقسیم، جمع و تفریق کنید، یا با قانون‌های تابع شرطیه کار کنید. فضای مجازی تابع منطق ریاضی است؛ یعنی می‌توانید تغییر آن را به صورت متمرکز از یک نقطه شروع کنید؛ مثل یک ساختمان فیزیکی نیست که ده طبقه ساختمان بسازید؛ بلکه همانند مومی می‌باشد که مرتب می‌توان آن را تغییر داد. منظور این است که آنچه انجام شده؛ در بعضی از زمینه‌ها خوب کار شده؛ برای مثال دیجیتالی کردن متون دینی در ایران خیلی خوب و گسترده اتفاق افتاده است؛ ولی باید

این مسیر را ادامه داد و اگر ساختار دیجیتال شکل گرفت، در ساختمان مجازی فرهنگ دینی ایرانی بهره برد.

فضای مجازی از هرمی تبعیت می‌کند که قاعده هرم اطلاع‌رسانی است. رأس هرم شبیه‌سازی است؛ یعنی واقعیت مجازی است. باید بتوانیم آن قدر فضای مجازی را به فضای واقعی نزدیک کنیم که احساس کنید در فضای واقعی هستید، یا این که در حال طواف خانه خدا هستید؛ یعنی آن حس توأم با نرمی و خشونت را منتقل کند.

**حوزه:** بررسی‌ها نشان می‌دهد که نهادهای

فضای مجازی از هرمی تبعیت می‌کند که قاعده هرم اطلاع‌رسانی است. رأس هرم شبیه‌سازی است؛ یعنی واقعیت مجازی است. باید بتوانیم آن قدر فضای مجازی را به فضای واقعی نزدیک کنیم که احساس کنید در فضای واقعی هستید



از آن، بی‌گمان احکام شریعت و بخشی دیگر نظام اخلاقی دین است. ما اگر جامعیت دین را درست بشناسیم، آن‌گاه در بازنمایی دچار مشکل نمی‌شویم؛ یعنی جامعیت دین است که می‌تواند اثرگذار باشد.

در رسانه ملی نیز مشکل فهم دین وجود دارد. رسانه ملی چه می‌کند؟ رسانه ملی در بازنمایی برای این‌که جلوی پلیدی را بگیرد، پلیدی را تبدیل به یک ژانر داستانی می‌کند. ژانر داستانی جایی است که زندگی می‌کنید، با این داستان حرکت می‌کنید. با بچه‌هایی که ناباب هستند هم‌نشینی می‌کنید؛ از این‌رو خانواده‌ها مضطرب می‌شوند؛ بنابراین رسانه ملی با نمایش داستانی پلیدی حداقل موجب توسعه بدبینی، اضطراب و ناباوری می‌شود و به نوعی الگوی رفتاری برای توسعه پلیدی ایجاد می‌کند. به نظر ژانر داستانی باید خیر را نمایش دهد و شر باید در ژانر آموزشی بیان شود. فضای مجازی هم در درجه اول این فهم صحیح دینی را می‌خواهد؛ برای مثال، چقدر از فضای مجازی درگیر کار کمپینی است. کمپین کردن؛ یعنی این‌که یک جمعی هم‌فکر و هم‌داستان می‌شوند برای انجام یک خیر و جلوگیری از یک شر. یک کمپین تشکیل می‌شود برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، حمایت از خانواده‌های تک سرپرست، برای خلیج فارس، برای حمایت از یتیمان و... .

در اوایل انقلاب بسیار موفق بودیم. فضای جهاد سازندگی در اوایل انقلاب را در نظر بگیرید.

به روستاها می‌رفتیم و با این‌که امکاناتی نداشتیم، حوض مسجد رنگ می‌زدیم، حمام برای مردم می‌ساختیم، دنبال این بودیم که یک خانه برای مردم بسازیم، یا خانه بهداشت برای مردم ساخته شود؛ خیلی فضای خوبی بود. حالا کار مردمی جهاد سازندگی را که یک کار داوطلبانه بود تبدیل کردیم به یک سازمان.

کار داوطلبانه در روح دین است. ببینید در این سال‌ها چقدر از کار داوطلبانه فاصله گرفته‌ایم، زمانی که اتفاقات بدی می‌افتد، بلافاصله می‌گوییم این دستگاهی است که نمی‌تواند دین را نشان دهد؛ درحالی‌که تلویزیون هیچ‌گاه نمی‌تواند دین را نشان دهد و این وظیفه ماست.

**حوزه:** یکی دیگر از این عوامل می‌تواند آشنانبودن نهادها با فضای وب و سواد رسانه‌وب باشد؟

**استاد:** مشکل فقط در فضای مذهب نیست؛ برای مثال، جایزه ملی بهترین وبلاگ‌های دولتی ایران را برگزار کردیم که در مرکز پژوهش‌های سیاست‌های فضای مجازی دانشگاه تهران و با همکاری شورای عالی و اطلاع‌رسانی، ۱۸۰ وب دولتی مشارکت کردند. با ۲۲۰ متغیر، وبلاگ‌ها را بررسی کردیم. مهم‌ترین ضعفی که تمام وب سایت‌های دولتی دارند، عنصر تعاملی بودن است؛ یعنی اصلاً نمی‌دانند که این وب سایت فقط یک طلق شیشه‌ای نیست که رویش کلیک کنند، این وب سایت یک فضای زنده است که وقتی

که بچه‌ها بتوانند آن را احساس کنند. با این باور که نسل جنگ کشور مظلوم واقع شدند؛ یعنی چهرهٔ مظلوم و پاک، بدون هیچ‌گونه دغدغه‌ای اعم از مادی و معنوی، فقط با یک خواسته به میدان جنگ رفتند و نتوانستیم آن چهره را خوب نشان دهیم؛ چون نتوانستیم آن محیط را بازنمایی کنیم.

چنین پروژه‌ای را کیوتو اجرا کرد؛ کیوتو شهری است که سال ۸۰۰ میلادی متولد شد؛ از این فضا استفاده کردند و شهر کیوتو را که سه مرحله داشت - ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی، ۱۲۰۰ میلادی تاکنون و دوره حاضر- به شکل هم‌زمان و لایه‌ای ایجاد کردند و آن را شبیه‌سازی کردند؛ یعنی وقتی در سال ۸۰۰ میلادی کیوتو می‌روید، حس می‌کنید در سال ۸۰۰ میلادی زندگی می‌کنید. آن فرمایشی که مقام معظم رهبری داشتند که ما اطلس دانشمندان اسلامی را به وجود آوریم، در این پروژه کاملاً قابل اجراست. حُسن اطلس مجازی تاریخی دانشمندان مسلمان این است که می‌توانیم دانشمندان دینی را در ظرف شبیه‌سازی شده زمان خودشان رویت کنیم، چنین فکری را در پروژه شهر مجازی علم ایران آغاز کردیم. تاریخ ایران را در شش دوره تبیین کردیم. دو دوره برای قبل از اسلام و چهار دوره برای بعد از اسلام بود، که دانشمندان هر دوره و قابلیت‌های آن‌ها را یافتیم و لیستی از دانشمندان ایرانی نیز تهیه کردیم.

هر برنامه‌ای در فضای مجازی باید، بر

به آن سلام می‌کنند، بگویند علیک سلام. این فضا یک فضای زنده است، باید عین یک فضای تعاملی زنده با آن برخورد کنیم.

فضای مجازی از هر می‌تبعیت می‌کند که قاعده هرم اطلاع‌رسانی است. رأس هرم شبیه‌سازی می‌باشد؛ یعنی واقعیت مجازی است. باید بتوانیم آن قدر فضای مجازی را به فضای واقعی نزدیک کنیم که احساس کنید در فضای واقعی هستید، یا این که در حال طواف خانه خدا هستید؛ یعنی آن حس توأم با نرمی و خشونت را منتقل کند؛ از سوی دیگر، این فضا یک فضای ادامه‌دار است؛ یعنی می‌توانید با اطلاع‌رسانی شروع کنید و با یک تلاش مستمر به آن شبیه‌سازی می‌رسید.

در هامبورگ پروژه‌ای انجام شد، در آن به این نتیجه رسیدند که فضای مجازی از قابلیت‌های روح برخوردار می‌باشد، همان‌طور که روح سیال است و همه جا می‌تواند برود و محدود به مکان خاص نیست؛ یعنی اصلاً در منطق زمان مجازی، آن خط زمان اینشتینی وجود ندارد که لحظه‌ای بمیرد و لحظه‌ای دیگر متولد شود.

منطق زمان اینشتینی در سه محور پایه‌گذاری شده است؛ فاصله، حرکت و سرعت. در فضای مجازی فاصله حذف می‌شود، به تبع آن حرکت و سپس سرعت حذف می‌شود. حال آن‌ها استفادهٔ جالبی از این فضا کردند. جنگ جهانی اول و دوم را در این فضا شبیه‌سازی کردند،

اساس نیاز مخاطب باشد؛ ولی به نظر می‌رسد اقدامات انجام شده از سوی نهادهای مذهبی و اسلامی در ایران در فضای وب، به هیچ‌وجه متناسب با نیازهای مخاطبان امروز جهان نباشد.

در پژوهش یک نکته معرفتی داریم؛ دانش‌های پیشین مانع اصلی فهم است. ضمن این‌که به طور منطقی فکر محصول حرکت از معلومات به مجهولات است. باید معلوماتی داشته باشید تا برای روشن شدن مجهولات اقدام کنید؛ ولی دانش‌های پیشین می‌تواند عامل نفهمیدن باشد. این‌که از گذشته جامعه‌ای را می‌شناختیم، آیا این جامعه امروز تغییر کرده است یا همان جامعه قدیمی است؟ باید در پس‌زمینه رفتار و سیاست‌گذاری وجود داشته باشد؛ چراکه با تولید بدون مخاطب مواجه خواهیم شد؛ بنابراین نیاز به شناخت جامعه داریم و تفاوت در نیازها وجود دارد، که بعضی وقت‌ها خواسته‌های کلیشه‌ای باعث می‌شود این‌ها را به جامعه تحمیل کنیم.

از ایرانی‌ها پرسشی انجام شد، که نظر شما در مورد رابطه با غرب چیست؟ و چند گزینه هم به عنوان پاسخ مطرح شده بود. یکی از پاسخ‌ها این بود که باید از فرهنگ غرب تبعیت کنیم و یکی دیگر استفاده از تجربیات مثبت غرب بود. دو درصد، به تبعیت محض از غرب رأی دادند و ۷۵٪ گزینه استفاده از تجربیات مثبت را انتخاب کردند. این نشان می‌دهد که این جامعه، جامعه‌ای است که

خیر و تجربه را محدود نمی‌کند.

**حوزه:** پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نسل جدید به دین و معنویت گرایش دارند؟ **استاد:** یک سؤال را در پرسش‌نامه از افراد مطرح کردم؛ با توجه به این‌که پرسش‌نامه‌ها آنلاین هستند و کاربران جامعه اینترنتی ایرانی پاسخ دادند که اکنون یک جامعه‌ای بیش از هشتاد میلیون‌گانه شده است. سؤال این بود، که به نظر شما دولت باید به چه نیازهایی پاسخ دهد. برای پاسخ سه گزینه مطرح کردم؛ صرفاً به نیازهای مادی توجه کند، باید به نیازهای مادی و معنوی با هم توجه کند، باید صرفاً به نیازهای معنوی توجه کند.

در ابتدا تصور این بود که جامعه‌ای که به هر حال نیاز مادی دارد، باید گزینه نخست را انتخاب کند؛ ولی این گزینه تنها ۵٪ رأی آورد. و جامعه زیادی حدود ۶۰٪ نیاز مادی و معنوی را علامت زده بودند؛ البته گزینه توجه به نیاز معنوی هم پاسخ چندان بدی نگرفت؛ بنابراین به نظر می‌رسد جامعه ایرانی جامعه‌ای است که متعادل است. تعادل را دوست دارد. دنبال امت وسط است که در تعالیم ما تأکید شده است. جامعه ایرانی، جامعه‌ای مادی نیست؛ به هر حال جامعه نیازمند تعادل است. با توجه به این‌که بیش از ده تا پانزده مطالعه پیمایشی انجام داده‌ام. یک پرسش این است که شما خود را در کدام طبقه اجتماعی می‌بینید. طبقه پایین، طبقه متوسط، طبقه بالا، که ۷۰٪ جامعه ایرانی خود

در حوزه باشد و هم در دانشگاه، نیرنگ پلید است و باید آن را از علم جدا کرد؛ به خصوص اگر رویکرد دانشگاه حل مسئله باشد، تولید آن نیز برای حل مسئله و راه‌گشایی خواهد بود؛ در نتیجه افکار اجرایی تصحیح می‌شود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که توسعه از کجا شروع می‌شود؟ آیا باید تکنولوژی را بخریم تا توسعه را فراهم کنیم؟ توسعه کجاست؟ پاسخ جدی در آموزش و علم خلاصه می‌شود؛ برای مثال دورهٔ کودکی، بهترین و بالاترین فرصت برای ساختن است.

بهترین فرصت برای تربیت، دوره سه تا هفت سالگی است. چقدر از این فرصت استفاده می‌کنیم؟ کار جمعی. یک تیم می‌شویم و با هم کار می‌کنیم. در این کار گروهی، یکی می‌شود، یکی دست، یکی سر و اگر همه بخواهند سر شوند، بدنی به اصطلاح ناهنجار می‌شود. باید یکپارچگی و هماهنگی وجود داشته باشد.

**حوزه:** در ده یا بیست سال گذشته، حضور وب سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌ها و در کل، دسترسی افراد به شبکه اینترنت، سبب شده است هر فرد یا گروهی، عقاید و نظریات خود را به آسانی بیان کند؛ به هر حال مذهب نیز از این قایده مستثنا نبوده است. آیا این

را در طبقه متوسط می‌دانند. درحالی‌که از نظر درآمد، آن‌هایی که خود را در طبقه متوسط می‌دانند، بسیاری از آن‌ها در طبقه بالا هستند و بسیاری هم در طبقه پایین؛ ولی دوست دارند خود را در طبقه متوسط ببینند. طبقه متوسط به نوعی نماد تعادل است. اگر در تولیدهای خود به این تعادل توجه کنیم، موفق می‌شویم. درواقع این جامعه اوقات فراغت دارد و در این اوقات فراغت می‌خواهد، از خواندن یک رمان، تماشای یک ملودرام لذت ببرد.

**حوزه:** به نظر شما راهکار ایجاد این تعادل چیست؟

**استاد:** علم‌گرایی و تخصص‌گرایی مهم‌ترین راهکار برای نیل به تعادل اجتماعی است، که قرآن بارها و بارها بر اهمیت علم تأکید کرده است؛ بنابراین جامعه را باید از رفتار احساسی صرف خارج کرد و نوعی عدالت‌گرایی مبتنی بر علم و فرهیختگی را مورد تأکید قرار داد. به بیان دیگر شاخصه اصلی ورود به تعادل، علم‌گرایی است؛ یعنی این که علم باید مرجع اصلی حل معضلات اجتماعی باشد؛ چه علم الهی، چه حوزه، چه ریاضیات و فیزیک، که همه آن‌ها علم الهی هستند؛ بنابراین علم، نور است و راهنما، علم با نیرنگ فرق می‌کند؛ هدف آن متعالی است. نیرنگ می‌تواند هم

علم‌گرایی و تخصص‌گرایی مهم‌ترین راهکار برای نیل به تعادل اجتماعی است، که قرآن بارها و بارها بر اهمیت علم تأکید کرده است؛ بنابراین جامعه را باید از رفتار احساسی صرف خارج کرد و نوعی عدالت‌گرایی مبتنی بر علم و فرهیختگی را مورد تأکید قرار داد.

موضوع به تکثر فرهنگی منجر نمی‌شود؟ آیا این امر سبب نمی‌شود که افراد دین حقیقی را نشناسند؟

**استاد:** جلوی تکثر را نمی‌توانید بگیرید، عالم را خداوند متکثر خلق کرده است. یک اثر انگشت ثابت نیست. قبایل، اقوام، جنسیت و... همه مرجع تکثر است؛ ولی آن متولیان‌ی که در کار سیاست‌گذاری فرهنگ هستند، موظف هستند که خیر تولید کنند. آن‌ها نمی‌توانند بگویند که هر کسی از یک منظر به خیر نگاه می‌کند.

متولی فرهنگ نباید برای مخاطب شرط تولید کند. رسانه ملی نباید بگوید چون بخشی از مخاطبان من موسیقی رپ دوست دارد، هیچ‌گاه برای او موسیقی رپ تولید کنم. این مخاطب‌شناسی، اشتباه است. اگر فکر کنیم که باید نظر همه مخاطبان را تأمین کنیم، نمی‌توانیم یک رسانه خیر داشته باشیم. رسانه خبری

باید خیر تولید کند. روی موج مخاطب حرکت کردن باعث می‌شود که نتوانید مرجعیت صحیح ایجاد کنید.

هنگامی که موسیقی رسانه ملی را نگاه می‌کنید، پازلی شده است که اگر مجموعه‌اش را به هم وصل کنید، نمی‌توانید برنامه ساختارمندی را از آن در بیاورید. رسانه ملی با چنین رویکردی که

بتواند نظر همه را تأمین کند، به سوی کمیت رفت و چندین کانال تلویزیونی تولید کرد؛ ولی به نظر می‌رسد باید تعداد کانال‌ها را کم کنیم؛ زیرا اگر کسی بخواهد موسیقی غنائی گوش کند، موارد زیادی وجود دارد. عنوان رسانه ملی باید رسانه خیر باشد. باید کاری کند که انتخاب خیر برای مردم وجود داشته باشد. در نهایت آن چیزی ماندگار می‌شود که لذت خیر داشته باشد، که در فضای مجازی هم

این گونه می‌باشد؛ این به معنای تطبیق دین با فضای مجازی است؟ ولی دین را نمی‌توان با فضای مجازی تطبیق داد. این غیر ممکن است.

این پرسش مانند این است که بگوییم در دنیا دین نباید وجود داشته باشد، چون تکثر زیاد است. نمی‌توان این حرف را زد، دنیای مجازی هم دنیایی است به موازات دنیای فیزیکی.

آن‌جا هم مثل همین جاست. تفاوت جهان تخیل و مدینه‌های فاضله افلاطون و ارسطو با جهان مجازی این است که جهان مجازی توانسته تجسد ببخشد.

در جهان مجازی، روی بانک صادرات کلیک می‌کنید و نقل و انتقالات مالی انجام می‌دهید. به سایت صدا و سیما می‌روید و برنامه‌های گذشته را تماشا می‌کنید.

در دنیا دین نباید وجود داشته باشد، چون تکثر زیاد است. نمی‌توان این حرف را زد، دنیای مجازی هم دنیایی است به موازات دنیای فیزیکی. آن‌جا هم مثل همین جاست. تفاوت جهان تخیل و مدینه‌های فاضله افلاطون و ارسطو با جهان مجازی این است که جهان مجازی توانسته تجسد ببخشد.

به سایت روزنامه‌ها می‌روید. به سایت یک مسجد می‌روید، آن‌جا واعظ سخنرانی می‌کند و شما به سخنرانی گوش می‌دهید. حرم امام حسین را نگاه می‌کنید و... یکی از دوستان من در نیویورک می‌گوید، تنها چیزی که در آن‌جا به من آرامش می‌دهد این است که روی دوربین حرم امام رضا علیه السلام کلیک کنم و آن‌جا را نگاه کنم. در نهایت این‌که اگر توانستی این جمله را محکم بگویی که دین در جهان واقعی نباید باشد، محکم می‌توانی بگویی دین در جهان مجازی نمی‌تواند باشد.

### پی‌نوشت:

\* عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱. مجله حوزه: ضمن تشکر از سرکارخانم آزاده صادقی و اسماعیل حسین آبادی، که این گفت‌وگورا سامان داده‌اند.
۲. رعد: ۲۸.
۳. عنکبوت: ۴۵.